

مروری گذرا بر پیدایش و رشد طبقه کارگر

(بخش اول)

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

به پا خیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندروار می‌غرد
اینک! فوران نهایی ست این.
بساط گذشته بروییم،
به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!
جهان از بنیاد دگرگون می‌شود

...

(بخشی از سرود بین‌الملل، اوژن پوتیه)

اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را در پیش داریم. از این رو پیشاپیش این روز را بر همه کارگران جهان و به ویژه کارگران ایران، تبریک می‌گوییم. با امید این که روز سرنوشت ساز فرارسد و طبقه کارگر، یعنی مبارزه‌رهای بخش این اکثریت تولیدکنندگان نیازهای بشری، بر طبقه سرمایه‌داری، اقلیتی که با حمایت دولت‌ها و ارتش و پلیس و جنگ و خونریزی و استثمار بی‌رحمانه تولیدکنندگان، جهان بشری را به جولانگاه وحشیانه خود تبدیل کرده‌اند، پیروز گردد. با امید این که گرایش رادیکال و کمونیستی دوران طبقه کارگر، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را صرفاً از برگزاری جشن‌هایی در سالن‌های سر بسته خارج کند و به مسیر واقعی مبارزه جنبش طبقاتی محرومان و استثمارشدگان و همبستگی جهانی آنان بر علیه سیستم کاپیتالیستی، در جهت تغییر نظم موجود و برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر، شاد، مرفه و عادلانه هدایت کند.

برای این که تاریخ جنبش طبقاتی کارگران، در مسیر واقعی مبارزه‌رهای بخش قرار بگیرد، مرور تجارب تاریخی جنبش کارگری، یکی از فاکتورهای مهمی است که باید بدان پرداخته شود.

ما به نوبه خود به گوشه‌هایی از این امر مهم طبقاتی مان اشاره می‌کنیم و امیدواریم فعالین جنبش کارگری و کمونیستی و احزاب و سازمان‌هایی که منافع طبقه کارگر برای خود تصور نمی‌کنند و با خلوص نیت و بدون دید و نگرش معامله‌گرایانه در این جنبش مبارز می‌کنند،

اولویت‌های خود را برای تقویت انترناسیونالیسم پرولتری و در جهت تقویت مبارزه ضد سرمایه‌داری کارگران ایران، به عنوان بخش از جنبش کارگری جهان قرار دهند.

در مرور تاریخی جنبش کارگری، مکرر به این واقعیت‌های غیرقابل انکار برمی‌خوریم که هر درجه جنبش کارگری رشد و گسترش می‌یابد و این جنبش، مطالبات اقتصادی و سیاسی خود را بر بورژوازی تحمیل می‌کند، به همان درجه نیز کل جامعه بشری از رفاه اقتصادی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌گردد. از سوی دیگر طبقه کارگر برای پیشبرد امر مبارزه طبقاتی خود، تاوان زیادی پرداخت می‌کند. نهایت امر بورژوازی و دولت‌هایشان، نه تنها کم‌ترین اهمیتی به زیست و زندگی انسان و حق و حقوق آن‌ها را نمی‌دهند، بلکه هرگونه تلاش بشر برای بهتر شدن موقعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی‌شان را نیز بی‌رحمانه سرکوب می‌کنند. بنابراین کارگران و مردم محروم و ستم‌دیده، همواره در طول تاریخ در صف اول مبارزه، از دوران انقلابات بورژوازی و کارگری سوسیالیستی، تا به امروز هستند.

طبقه کارگر با رشد و گسترش بورژوازی، به عنوان یک طبقه پا به عرصه وجود گذاشت. بنابراین شکل‌گیری طبقه کارگر، به دورانی برمی‌گردد که روابط و مناسبات سرمایه‌داری آغاز می‌شود. این مناسبات ریشه در جامعه فئودالی در حال زوال داشت و با نابودی فئودالیسم، جامعه سرمایه‌داری شکل می‌گیرد. در این دوران است که همراه با تولید سرمایه‌داری و پیدایش شکل نوین استثمار، توده‌های کارگر نیز در جهان روزبه‌روز افزایش یافته و به صورت یک طبقه در مقابل سرمایه‌داری قد علم می‌کنند.

نطفه‌های اولیه مناسبات تولید سرمایه‌داری در سده‌های چهاردهم و پانزدهم در برخی شهرهای اروپا بسته می‌شود. ایتالیا اولین کشوری است که در آن‌جا مناسبات سرمایه‌داری سر برمی‌آورد. طی این سده‌ها، در تعدادی از شهرهای بزرگ ایتالیا، از جمله در فلورانس و بولونیا، صنعت مانوفاکتوری که شکل اولیه تولید سرمایه‌داری است، رونق می‌یابد. این روند تقریباً در آلمان و اسپانیا نیز به وقوع می‌پیوندد، اما دامنه و وسعت آن به اندازه ایتالیا نمی‌باشد.

چنین روندی در هلند و انگلیس و فرانسه با دامنه‌ای وسیع‌تر ادامه پیدا می‌یابد و از سده شانزدهم به بعد توسعه سرمایه‌داری در هلند و انگلیس، از رشد و گسترش و استحکام بیش‌تری برخوردار است که به تحکیم و تثبیت سرمایه‌داری منجر می‌گردد و هم‌زمان با آن توده‌های وسیع پرولتاریا نیز پدید می‌آیند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که در دوران سرمایه‌داری مانوفاکتوری، یعنی در فاصله سده ۱۶ تا اواخر سده ۱۸ سرمایه‌داری، دوران تثبیت و تحکیم خود را طی می‌کند، به سرعت بر تعداد کارگران افزوده

می‌شود و طبقه کارگر دوران شکل‌گیری خود را از سر می‌گذرانند. در دوران مانوفاکتور، کارگران به شیوه وحشیانه‌ای استثمار می‌شوند. ساعات کار طولانی است و کارگران ناگزیر روزانه حتی تا ۱۸ ساعت نیز کار می‌کنند. در حالی که در این دوران سخت، دست‌مزد کارگران در مجموع پایین و ناچیز است.

در چنین شرایطی، کشمکش کار و سرمایه از همان هنگام پدید آمدن سرمایه آغاز می‌شود. نخستین مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داری، در سده‌های ۱۴ و ۱۵ در ایتالیا، یعنی در کشوری که اولین مناسبات تولید سرمایه‌داری زودتر از همه جا شکل گرفته، به وقوع می‌پیوندد. نخستین منازعات طبقاتی کارگران، در اواسط سده ۱۴ در ایتالیا، تلاشی است که برای اتحاد در صفوف کارگران نساجی و مبارزه متحد آن‌ها علیه کارفرمایان صورت می‌گیرد.

در سراسر دوران مانوفاکتوری که دوران آغازین مبارزات پرولتری است، در همه کشورهای که سرمایه‌داری پدید آمده بود، کارگران به اشکال مختلف بر علیه بورژوازی به مبارزه برمی‌خیزند. همچنین در سده شانزدهم، کارگران چاپ‌خانه‌های شهر لیون در فرانسه، به طور مکرر دست به اعتصاب می‌زنند. نمونه‌های متعددی از شورش‌های کارگری برای بهبود زیست و زندگی خویش در این دوران، به ویژه در اعتراض به کمی دست‌مزد، ساعات کار طولانی و بی‌کارسازی‌ها جریان پیدا می‌کند. در اواخر دوران مانوفاکتورها، یعنی زمانی که کم‌کم ماشین در عرصه تولید به کار گرفته می‌شود، مبارزه کارگران به شکستن ماشین‌ها معطوف می‌گردد. کارگران که هنوز از آگاهی طبقاتی کافی برخوردار نبودند، ماشین‌ها را دشمن خود می‌پنداشتند و در نتیجه اعتراض خود را با شکستن آن‌ها نشان می‌دادند.

مبارزه کارگران برای به وجود آوردن تشکلهایشان در فاصله سده شانزدهم تا اواخر سده هیجدهم، از سوی کارگران در هلند، انگلیس، فرانسه، آلمان، آمریکا و برخی کشورهای دیگر در جریان است. هر چند که در این دوران کارگران تشکلهای مستقل خود را ندارند و آگاهی طبقاتی‌شان نیز پایین است. اما با این وجود کارگران، به طور فعال در انقلابات بورژوازی بر علیه فئودالیسم، نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

بورژوازی که برای سرنگونی سیستم فئودالی و کسب قدرت سیاسی تلاش می‌کرد، برای پیش‌برد اهداف و مقاصد سرمایه‌داری خود، از مبارزه کارگران و تهیدستان شهری سوءاستفاده کرد و آن را تحت کنترل و قیمومیت خویش درآورد. این نیروی عظیم کارگران و مردم محروم و تحت ستم در سراسر دوران جنگ ضد فئودالی که در اساس برای رهایی از ستم و فقر و برانداختن همه آن گرایشاتی بود که مخالف آزادی و برابری و عدالت اجتماعی بودند، مبارزه می‌کردند.

در آمریکا که مانند اروپا، جنبش‌های ضد فئودالی وجود نداشت، اما کارگران علیه استثمارگران انگلیسی دست به مبارزه می‌زدند. برای مثال، در سال ۱۷۷۰ در جریان درگیری‌هایی که میان نیروهای انگلیسی و مردم بوستون صورت گرفت، چندین کارگر جان خود را از دست دادند. کارگران در آن دوره همراه با دیگر جریان‌های رادیکال، در یک سازمان سیاسی موسوم به «پسران جامعه آزادی» شرکت داشتند که در جریان جنگ‌های استقلال در دسته‌های پارتیزانی و یا ارتش منظم بر علیه استعمارگران انگلیسی می‌جنگیدند.

سربازانی که از جنگ اشغالگران و جنگ داخلی برگشتند، ارتش داوطلبان انقلاب صنعتی شدند. زنان کارگر نیز هم در کارخانه‌ها و هم در منزل، به کارهای سخت و طاقت‌فرسای مشغول بودند. تا سال ۱۹۰۰، در آمریکا، پنج میلیون زن کارگر، کار می‌کردند که دو میلیون‌شان در منازل کار می‌کردند. تقریباً از هر پنج نیروی کار، یک نفر زن بود. زن‌ها، هفته‌ای به خاطر یک دلار و ۵۶ سنت دست‌مزد، روزی ۱۴ تا ۱۶ ساعت کار می‌کردند. همچنین کم نبودند بچه‌هایی که صبح سحر با تن خسته راهی کارخانه‌ها می‌شدند. در سال ۱۸۳۲ مجمع مکانیک‌های «نیوانگلند» برآورد کرد که دو پنجم از کل کارگران، بچه بودند. بنا به سرشماری سال ۱۸۷۰، بیش از هفت صد هزار بچه ده تا پانزده ساله کار می‌کردند، و این رقم در سال ۱۹۱۰، تقریباً به دو میلیون نفر رسیده بود، که در حدود نصف‌شان دختر بودند.

اما نقش کارگران فرانسوی در انقلاب بورژوا-دمکراتیک، در جهان معروف است. زیرا کارگران فرانسوی، از تجارب و آگاهی طبقاتی بیش‌تری نسبت به هم‌طبقه‌ای‌های خود در جهان برخوردار بودند. از این رو انقلاب فرانسه، بسیاری از دستاوردهایش را مدیون مبارزه پی‌گیر کارگران و تهیدستان شهرها به ویژه پاریس است که در آن دوره کارگران هسته اصلی این مبارزه را تشکیل می‌دادند. نقش این توده‌های محروم و تحت ستم، به ویژه در نبردهای اوایل انقلاب و فتح باستیل بسیار برجسته است. در دوران انقلاب، روز به روز آگاهی کارگران ارتقا یافت و آن‌ها همواره بر مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پافشاری می‌کردند.

در سده‌های هفدهم و هیجدهم که انقلابات بورژوایی در اروپا و ایالات متحده آمریکا سیستم سرمایه‌داری را در عرصه جهانی به ظهور رساند، اما این روند در روسیه، رشدی آرام و تدریجی را طی کرد.

بدین ترتیب انقلابات بورژوایی سده‌های ۱۷ و ۱۸ در هلند، انگلیس، ایالات متحده و فرانسه، سیمای فئودالی جهان را دگرگون ساخت، به ویژه انقلابات فرانسه و انگلیس که در آن دوران از اهمیت جهانی و تاریخی برخوردار بودند، روند تحولات بورژوایی را در جهان رقم زدند و پرچم‌دار شکستن سیستم

فئودالی در جهان شدند. انقلابات بورژوایی، زمینه را برای انقلاب تکنولوژیک، اختراع ماشین و گذار از دوران سرمایه‌داری مانوفاکتور به صنعت ماشینی را هموار و مساعد ساختند. این انقلاب، که به انقلاب صنعتی معروف گردید، نخستین بار در انگلستان، یعنی کشوری آغاز گردید که مناسبات سرمایه‌داری در آن، پیشرفته‌تر از هر جای دیگر جهان بود.

«ادامه دارد»

۱۷ آوریل ۲۰۰۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۲۷